

سوال ۲:

آیا ادخال منی اجنبی در رحم اجنبیه حرام است (حتی اگر از غیر زنا حاصل شود)؟^۱

ادله حرمت:

الف) آیه شریفه:

«وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ»^۲ «إِنَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ»^۳

«فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ»^۴

ترجمه: «و کسانی که پاکدامنی را در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده اند که در این صورت

بر آنان نکوهشی نیست. پس هر که فراتر از این جوید آنان از حد درگذرندگاند.»

و آیه شریفه:

«وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»^۵

ترجمه: «به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند.»

و آیه شریفه:

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ
وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ
وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»^۶

ترجمه: «مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت‌پیشه و مردان و زنان راستگو

و مردان و زنان شکیبا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه‌دهنده و مردان و زنان روزه‌دار و مردان

و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی

بزرگ فراهم ساخته است.»

۱. ن ک: کلمات سدیدة، ص ۷۷.

۲. مومنون/۵.

۳. مومنون/۶.

۴. مومنون/۷.

۵. نور/۳۱.

۶. احزاب/۳۵.





در وجه استدلال به این آیه، گفته شده است: چون آیه تصریح نمی فرماید که فرج را از چه حفظ کنند (حذف متعلق) لذا باید آن را مطلقاً حفظ کرد، حتی از «ادخال منی اجنبی به آن» و «ارسال منی از آن به رحم اجنبیه»

پس آیه می فرماید «هر کس فروج را بر غیر ازدواج حفظ نکند، عاصی است»^۱
ما می گوئیم:

اولاً: معلوم نیست اینکه زن، بدون هیچ گونه مقاربت و لمس اجنبی، منی اجنبی را در رحم خود قرار دهد، مغایر با حفظ فرج باشد. و اگر شک کردیم که این حفظ است یا نه؟ نمی توانیم به آیه تمسک کنیم چراکه تمسک به دلیل در شبهه مصداقیه اش می باشد.

ثانیاً: اطلاق آیه - چنانکه گفته ایم - شامل مواردی که در زمان صدور فرض نداشته است نمی شود. (مخصوصاً با توجه به وجود قدر متیقن در مقام تخاطب که عبارت است از محافظت از نظر و لمس و مقاربت و شبهه ذلک)

و لذا آیه منصرف به همان موارد متعارف است. (و این مقتضای تناسب حکم و موضوع هم می باشد)^۲
ثالثاً: در روایاتی اشاره شده است که در قرآن هر جا سخن از حفظ فرج است، حفظ آن از زنا می باشد (جز در یک مورد که مراد آیه، حفظ از نظر است).

(۱) «وَسُئِلَ الصَّادِقُ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ فَقَالَ كُلُّ مَا كَانَ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنْ ذِكْرِ حِفْظِ الْفَرْجِ فَهُوَ مِنَ الزَّنَا إِلَّا فِي هَذَا الْمَوْضِعِ فَإِنَّهُ لِلْحِفْظِ مِنْ أَنْ يُنْظَرَ إِلَيْهِ.»^۳

(۲) «فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ أَنْ يُنْظَرُوا إِلَى عَوْرَاتِهِمْ وَأَنْ يُنْظَرَ الْمَرْءُ إِلَى فَرْجِ أَخِيهِ وَيَحْفَظَ فَرْجَهُ أَنْ يُنْظَرَ إِلَيْهِ وَقَالَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ»

۱. البحوث الهامه، ص ۱۵۶. تلخیص مصنوعی، ص ۸۹.

۲. تلخیص مصنوعی، ص ۹۰.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۰۰.



وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ مِنْ أَنْ تَنْظُرَ إِحْدَاهُنَّ إِلَى فَرْجِ أُخْتِهَا وَ تَحْفَظَ فَرْجَهَا مِنْ أَنْ يُنْظَرَ إِلَيْهَا وَ قَالَ كُلُّ شَيْءٍ فِي الْقُرْآنِ مِنْ حِفْظِ الْفَرْجِ فَهُوَ مِنَ الزَّنَا إِلَّا هَذِهِ آيَةٌ فَإِنَّهَا مِنَ النَّظْرِ.»^۱

(۳) «حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كُلُّ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ فِي ذِكْرِ الْفُرُوجِ فَهُوَ مِنَ الزَّنَا إِلَّا هَذِهِ آيَةٌ فَإِنَّهَا مِنَ النَّظْرِ فَلَا يَحِلُّ لِرَجُلٍ مُؤْمِنٍ أَنْ يُنْظَرَ إِلَى فَرْجِ أُخْتِهِ وَ لَا يَحِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ يُنْظَرَ إِلَى فَرْجِ أُخِيهَا.»^۲

(ب) آیه شریفه:

«حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمْ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا. وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ...»^۳

ترجمه: «[نکاح اینان] بر شما حرام شده است مادرانتان و دخترانتان و خواهرانتان و عمه هایتان و خاله هایتان و دختران برادر و دختران خواهر و مادرهایتان که به شما شیر داده اند و خواهران رضاعی شما و مادران زنانتان و دختران همسرانتان که [آنها دختران] در دامان شما پرورش یافته اند و با آن همسران همبستر شده اید پس اگر با آنها همبستر نشده اید بر شما گناهی نیست [که با دخترانشان ازدواج کنید] و زنان پسرانتان که از پشت خودتان هستند و جمع دو خواهر با همدیگر مگر آنچه که در گذشته رخ داده باشد که خداوند آمرزنده مهربان است. و زنان شوهردار. [نیز بر شما حرام شده است.]»

تقریب استدلال به آیه شریفه چنین است که:

وقتی حکم تکلیفی به ذات کسی یا چیزی تعلق گرفت، از آنجا که نمی تواند آن شخص یا چیز حرام باشد (چراکه متعلق حرمت، فعل است) لاجرم باید بگوئیم جمیع تصرفات در آن شی یا فرد حرام است. پس جمیع تصرفات در این دسته از زن ها برای مسلمانان حرام است و از جمله این تصرفات «ادخال منی در رحم آنها» می باشد.^۴

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۶۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۳.

۳. نساء/ ۲۴-۲۳.

۴. البحوث الهامه، ص ۱۵۷. تلقیح مصنوعی، ص ۱۰۷.

ما می گوئیم:

۱. چنانکه مرحوم شیخ در بحث از آیه «الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ» آورده اند، وقتی حرمت یا نهی به ذات یک شیء می خورد، یا باید قائل به حرمت جمیع تصرفات شویم و یا منافع غالبه را مدّ نظر بگیریم، و چون اینجا جمیع تصرفات و رفتارها با این زنان بالضروره حرام نیست، مراد منفعت غالبه است که همان ازدواج باشد.
۲. قرینه «جمیع بین اختین» هم شاهد مناسبی است بر این معنی.
۳. آیات قبل و بعد آیه نیز به روشنی همین مطلب را معلوم می کند.

